



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال دهم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۲، شماره پیاپی ۲۳

تحلیل ساختاری روابط عدالت شهری و برنامه‌ریزی رقابت‌پذیر با تأکید بر نقش واسطه‌ای سرمایه اجتماعی (مورد مطالعه شهر ارومیه)

حاتم پرنیان (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران، نویسنده مسئول)

parnian.h20@gmail.com

ذکریا احمدیان (دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران)

z.ahmadyan2015@gmail.com

رویا کامل‌نیا (دانشجوی دکتری جغرافیا برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران)

r.kamelnia9030@gmail.com

تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۰

صص ۱۶۵-۱۴۷

چکیده

با بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی، ظرفیت جامعه برای استفاده و تغییر شکل سیستم بهره‌وری شهری، توزیع عادلانه فرصت‌ها و امکانات (عدالت شهری)، واکنش به انواع فشارها و مشکلات شهری، افزایش مشارکت اجتماعی و ادامه استفاده و تداوم برنامه‌های شهری (ثبات)، افزایش خواهد یافت. لذا در همین راستا هدف این پژوهش تحلیل ساختاری روابط عدالت شهری و برنامه‌ریزی رقابت‌پذیر با تأکید بر نقش واسطه‌ای سرمایه اجتماعی در شهر ارومیه بود. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی و جامعه آماری نیز کلیه مدیران رده بالا و میانی، معاونین و کارشناسان تخصصی مناطق ۵ گانه شهرداری ارومیه به تعداد ۵۴۵ نفر بود که با استفاده از جدول مورگان نمونه آماری این پژوهش (۲۲۵ نفر) به شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب گردید. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌های استاندارد شده عدالت شهری، برنامه‌ریزی رقابت‌پذیر و سرمایه اجتماعی بود. روایی ابزار از نظر متخصصین و پایایی مطابق آلفای کرونباخ گزارش شده است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها مدل‌یابی معادلات ساختاری بود که نتایج حاصل از آن نشان داد که رابطه مستقیم عدالت شهری بر برنامه‌ریزی رقابت‌پذیر (۰/۳۱) و سرمایه اجتماعی (۰/۶۲) مثبت و معنادار است. ارتباط مستقیم سرمایه اجتماعی بر برنامه‌ریزی رقابت‌پذیر (۰/۴۱) مثبت و معنادار است. همچنین رابطه غیر مستقیم عدالت شهری بر برنامه‌ریزی رقابت‌پذیر با میانجیگری سرمایه اجتماعی (۰/۲۵) مثبت و معنادار است. بنابراین برنامه‌ریزی رقابت‌پذیر بعنوان یک رویکرد نوین و دیدگاه صراحتاً مثبت در مدیریت شهری می‌تواند با ایجاد سرمایه اجتماعی در شهر زمینه ارتقای عدالت شهری را در شهر ارومیه را فراهم آورد.

کلیدواژه‌ها: برنامه‌ریزی رقابت‌پذیر، سرمایه اجتماعی، شهر ارومیه، عدالت شهری.

۱. مقدمه

رشد روز افزون متاثر از رشد جمعیت و مهاجرت، باعث ظهور ویژگی‌ها و شرایط جدیدی در ساختار و عملکرد شهرها شده است (آسمد^۱ و همکاران، ۲۰۱۵، ص. ۲۳۷). شهرها در سراسر جهان با چالش‌های شهرنشینی سریع و نیاز به بازسازی اجتماعی و اقتصادی برای بقا، رقابت و دست‌یابی به عدالت شهری بیشتر مواجه هستند (اوجو^۲، ۲۰۱۵، ص. ۲۵). به واقع شهرها، از بدو پیدایش تاکنون، با یکدیگر به رقابت پرداخته‌اند. امروزه با افزایش شهرنشینی و پیچیده شدن نظام‌های شهری، بر دامنه و ابعاد رقابت افزوده شده (باراتا^۳، ۲۰۱۸، ص. ۵). در حال حاضر، در سراسر دنیا رقابت‌پذیری موضوعی محوری و وسیله‌ای برای دستیابی به رشد اقتصادی مطلوب و عدالت شهری است (نصیری و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۱۲۵). بنابراین، برخورداری از توان رقابتی شهرها با حیات اقتصادی و کیفیت زندگی اقشار مختلف شهرها، ارتباطی مستقیم دارد؛ به طوری که شهر دارای توان رقابت با شهرهای دیگر، دارای رونق اقتصادی بیشتر، بیکاری کمتر و رضایتمندی نسبی در زمینه عدالت شهری است (مولایی و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۳). از طرفی طرح مفاهیمی چون عدالت، توانمندسازی، مشارکت، رقابتی نمودن، حکمرانی خوب شهری، برنامه‌ریزی استراتژیک و نظایر آن نشان‌دهنده موجی نوین در تفکر برنامه‌ریزی شهری است (احدنژاد، ۱۳۹۲، ص. ۳۶). مهم‌تر اینکه جهانی شدن شهری و شهری شدن جهان به تغییر نقش شهرها در نظام جهانی منجر شده است و این پدیده حرکت آزادانه کالا، انسان، اطلاعات و سرمایه را روان‌تر، سریع‌تر، گسترده‌تر اثرگذارتر از قبل کرده است و این امر باعث اهمیت بخشیدن به مفاهیمی مانند رقابت‌پذیری و عدالت شهری شده است (نظم‌فر، ۱۳۹۶، ص. ۲). به واقع باید اذعان داشت که رقابت‌پذیری شهری بسیار فراتر از عملکرد اقتصادی یک شهر بوده و علاوه بر تمرکز بر شاخص‌های چون ضریب درآمد نسبتاً بالا، ضریب سطح اشتغال و بهبود نرخ رشد اقتصادی، به بهبود امکانات فرهنگی، هنری، تفریحی، بهبود هویت و استحکام اجتماعی و همچنین بهبود محیط کالبدی و دست‌یابی به عدالت شهری را در نظر دارد (مرادی، ۱۳۹۸، ص. ۴).

در سطح جهانی مطالعات بسیاری در مورد نقش و جایگاه برنامه‌ریزی شهری رقابت‌پذیر انجام شده است از جمله می‌توان به مطالعات سینکن^۴ اشاره کرد؛ او رقابت‌پذیری را توانایی برای جذب جریان اطلاعات، تکنولوژی، سرمایه، فرهنگ، مردم و سازمانهایی که در منطقه هم‌تلقی می‌شوند، توانایی برای نگهداری و گسترش کیفیت زندگی ساکنان شهری به اندازه توانایی خلق یک محیط ابتکاری نوآورانه در آن تعریف می‌کند (سینکن، ۲۰۱۴، ص. ۴۸). کرسل^۵ و نی^۶ در زمینه توان رقابت‌پذیری شهری به فراهم‌سازی افزایش شاخص‌های نظیر شغل، درآمد، امکانات

1. Acmad
2. Ojo
3. Barata
4. sinkiene
5. Kresl
6. Ni

فرهنگی و تفریحی، درجه ای از استحکام اجتماعی، حکومت و محیط زیست شهری پرداخته اند (کرسل، ۲۰۱۰، ص. ۱۳۵).

مسئله ای که در ارتباط با رقابت‌پذیری برنامه‌ریزی شهرها مطرح است این است که این مفهوم با توزیع عادلانه امکانات و منابع متصل و یکی است (نی و همکاران، ۲۰۱۵، ص. ۲۵). به واقع از جنبه های سیستم شاخص رقابت-پذیری شهری عدالت در توزیع زیرساخت‌ها یک اصل برای شهر در جهت پایدار ماندن است (ژانخین^۱، ۲۰۱۵، ص. ۱۵). رقابت‌پذیری شهری توانایی برنامه‌ریزی شهری برای حفظ موقعیت شهر در یک ناحیه خاص رقابت در میان دیگر شهرها از نوع مشابه و دنبال کردن اهداف مشابه با برنامه‌ریزی در راستای زمینه سازی برای ایجاد سرمایه های اجتماعی و در نهایت دست‌یابی به عدالت در شهرها می باشد (آنهابیت^۲، ۲۰۱۶، ص. ۶۰). بنابراین این رویکرد در برنامه ریزی شهرهای امروزی نقشی اساسی در پایداری، توسعه یافتگی و عدالت در زندگی شهری دارد (حسینی، دیگران، ۱۳۹۷، ص. ۲).

یکی از مهم ترین بسترهای ایجاد شهری عدالت محور بالا بردن توان رقابت‌پذیری شهر در تعامل با شهرهای دیگر چه در سطح بین‌المللی و چه در سطح ملی می باشد. به واقع حرکت و رسیدن به پایداری شهرها زمانی محقق خواهد شد که تخصیص و توزیع خدمات و امکانات میان واحدهای فضایی و اجتماعی شهرها مطابق با نیازهای جمعیتی و مساوات و برابری جغرافیایی صورت گیرد (ویلار^۳ و همکاران، ۲۰۱۹، ص. ۳). در عصر حاضر اصلی ترین عامل بحران‌های جوامع بشری ریشه در نابرابری‌های اجتماعی و فقدان عدالت دارد (مشکی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۲). مقوله عدالت در نظریه های برنامه ریزی شهری آن چنان مهم تلقی شده است که گاهی مشروعیت برنامه-ریزی را معطوف به همین موضوع دانسته‌اند (میرغلامی، ۱۳۹۷، ص. ۲). چنان که فاین شتاین برنامه‌ریزی را خلق آگاهانه شهر عادلانه دانسته است (فینشتاین^۴، ۲۰۱۵، ص. ۱۱۵). و لینچ^۵، از عدالت به عنوان یک فرامعیار در برنامه-ریزی و طراحی شهری یاد کرده است (لینچ، ۱۳۸۱ به نقل از میرغلامی، ۱۳۹۷، ص. ۳). به واقع شهرنشینی برنامه‌ریزی نشده مسائل عمده ای همچون فقر، بی‌عدالتی، آلودگی، ترافیک، جنگل زدایی و تراکم مکان‌ها را به وجود آورده است (دیپ^۶ و همکاران، ۲۰۰۴، ص. ۱۷۹).

در ادبیات جهانی تعریف‌های متنوعی از عدالت وجود دارد؛ برای مثال از مهمترین دیدگاهی که در فلسفه در مورد عدالت مطرح شده، دیدگاه جان رالز است. او متأثر از کانت معتقد است که مسئله مهم عدالت، رفع نابرابری هاست (ملک شاهی، ۱۳۹۶، ص. ۴). سودگرایان عدالت را به معنای بیشترین خشنودی برای بیشترین کسان تعریف می کنند (میرغلامی، ۱۳۹۷: ۲). لیبرال‌های محافظه کار، عدالت را به معنای احترام به آزادی افراد می دانند (فریدمن،

1. Zhanxin
2. Unhabit
3. Vilar
4. Fainstain
5. Kevin Lynch
6. Deep

۱۳۹۵، ص. ۲۵). لیبرال‌های برابرخواه (لیبرال - دمکرات‌ها) عدالت را به معنای انتخاب های مردم در یک موقعیت برابر، تعریف می‌کنند (سن، ۱۳۹۰، ص. ۴۵). و فضیلت‌گرایان چون مایکل سندل، عدالت را به معنای پرورش فضیلت و تعقل درباره خیر جمعی می‌دانند (سندل، ۱۳۹۳، ص. ۱۵). سوسیالیست‌ها عدالت را در جهت سازماندهی زندگی دسته‌جمعی و دستیابی به جامعه آرمانی تعریف می‌کنند (ملک‌شاهی، ۱۳۹۶، ص. ۴). در فضای جغرافیایی نیز مفهوم های متنوعی از عدالت اریه شده است. برای مثال عدالت در نزد متفکران شهری چپ گرا چون هانری لوفر (لفبر، ۲۰۱۰، ص. ۲۵). دیوید هاروی، پترمارکوس و.... بیشتر به سمت حق‌گرایی متمایل است (میرغلامی، ۱۳۹۷، ص. ۲). برنامه ریزان اجتماعی نیز در حوزه عدالت شهری تحقیقات زیادی انجام داده و به توزیع منابع و خدمات درون شهرها توجه زیادی کرده اند (هووکو، ۲۰۱۱، ص. ۵). سوجا^۳ عدالت فضایی را نقطه تلاقی فضا و عدالت اجتماعی می‌داند که به جنبه های فضایی یا جغرافیایی عدالت نظر دارد (سوجا، ۲۰۰۸، ص. ۱۵). این در حالی است که در نزد متفکران شهری راست‌گرا چون سوزان فاینشتاین^۴ مفهوم عدالت به مفهوم دمکراسی و تنوع نزدیک شده است (فاینشتاین، ۲۰۱۵، ص. ۱۱۵). با این حال مقوله عدالت در نظریه های برنامه‌ریزی شهری آنچنان مهم تلقی شده است که گاهی مشروعیت برنامه‌ریزی را معطوف به عمین موضوع دانسته اند. چنان که فاینشتاین برنامه‌ریزی را خلق آگاهانه شهر عادلانه دانسته است (شکوهی، ۱۳۹۳، ص. ۷). و کوین لینچ از عدالت شهری به عنوان یک فرامعیار در برنامه‌ریزی و طراحی شهری یاد کرده است (لینچ^۵، ۱۳۹۳، ص. ۷). همچنین هارولدوود، در تعیین معیارهای عدالت بر عدالت اجتماعی جهت توسعه مناطق کم توسعه تاکید اساسی دارد (شکویی، ۱۳۹۵، ص. ۱۶۳).

در واقع دستیابی به عدالت، به عنوان بنیان اکسپانسیون مشارکت و مداخله در خلق کلیت فضای شهری، می‌تواند در مسیر نیل به رقابت پذیری شهری هموار باشد (گریفن^۶، ۲۰۱۹، ص. ۵). بنابراین باید رویکردی اتخاذ شود که به دور از انحصارطلبی و اقتدارگرایی، امکان تولید و توسعه و مدیریت فضا توسط همه شهروندان یک شهر با تأکید بر ارزش اجتماعی و همگانی آن فراهم گردد (براتی و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۸). در این اثنا و با توجه به مبانی نظری پژوهش آنچه بنظر می‌رسد بتواند نقش مثبتی در رابطه بین عدالت شهری و برنامه‌ریزی رقابت‌پذیر ایفا نماید توجه به سرمایه اجتماعی است، به گونه ای که نمی‌توان بدون توجه بدان به امر برنامه‌ریزی اقدام نمود (توکلی، ۱۳۹۴، ص. ۱۳۷). سرمایه اجتماعی، فرآیندی اجتماعی می‌باشد که با تسهیل کنش اعضای خود، منافعشان را ارتقاء می‌دهد. بطوری که می‌توان سرمایه اجتماعی را مجموعه ای از شبکه ها، هنجارها، ارزش ها و ادراکی دانست که همکاری گروه ها را در جهت کسب منافع متقابل تسهیل می‌کند (قاسمی، ۱۳۹۶، ص. ۶۲). شهرها و مناطق شهری نقش کلیدی ای به عنوان مراکز نوآوری و خلاقیت اقتصادی بازی می‌کنند؛ در عین حال نواحی شهری خط مقدم در نبرد برای

1. Iefeber
2. Hewko
3. Soja
4. Fainstein
5. Lynch
6. Griffin

انسجام اجتماعی و پایداری به شمار می‌روند (محمدی، ۱۳۹۷، ص. ۱۲). از طرفی امروزه سرمایه اجتماعی، نقش بسیار مهمتری را نسبت به سایر سرمایه‌های فیزیکی و انسانی در سازمان‌ها و جوامع ایفا می‌کند. در غیاب سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست داده و بدون سرمایه اجتماعی پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی، اقتصادی ناهموار و دشوار می‌شود (صمدی، ۱۳۹۷، ص. ۴).

سرمایه اجتماعی اصطلاحی است که در معنای وسیع به کار می‌رود که در پیچه تازه‌ای را در تحلیل و علت‌یابی مسائل اجتماعی و اقتصادی گشوده است. در این زمینه مطالعات وسیعی توسط صاحب‌نظران و دانشمندان این علوم صورت گرفته. این اصطلاح ابتدا در سال ۱۹۱۶ در مقاله‌ای توسط لیدا جی هانی فان از دانشگاه ویرجینیای غربی مطرح شد. نظریه پردازانی همچون لوری^۱ (۱۹۷۰)، ویلیامسن^۲ (۱۹۸۱)، بیکر^۳ (۱۹۸۳)، جیمز کلنن^۴ (۱۹۷۷). رابرت پانتام^۵ (۱۹۷۰). فابین^۶ (۲۰۰۱) مطالعات وسیعی در این زمینه انجام داده‌اند (درویشی، ۱۳۹۸). کارل مارکس نیز بحث‌های سرمایه اجتماعی را برکنار از مفهوم سرمایه سرچشمه‌ای به مثابه رابطه‌ای اجتماعی و داد و ستد نابرابری می‌داند و از این رابطه می‌توان پیوند عدالت اجتماعی را با سرمایه اجتماعی برقرار کرد (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۳).

جین جاکوب استاد مسائل شهری این واژه را برای تاکید بر ارزش‌های جمعی همبستگی‌های غیر رسمی و همسایگی در مادر شهرهای جدید به کار برد (رحیمی، دیگران، ۱۳۹۸، ص. ۳). امروزه در کنار مباحث سرمایه انسانی و عدالتی در شهرها از سرمایه دیگری به نام سرمایه اجتماعی نامبرده می‌شود که این مفهوم بنا به تعریف جاکوبز شبکه پیچیده‌ای از روابط انسانی می‌باشد که در طول زمان ایجاد می‌شود و حس مسئولیت شهروندی را پرورش می‌دهد (پیران، ۱۳۹۲، ص. ۱۴).

در واقع با بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی، ظرفیت جامعه برای استفاده و تغییر شکل سیستم بهره‌وری شهری، توزیع عادلانه فرصت‌ها و امکانات (عدالت شهری)، واکنش به انواع فشارها و مشکلات شهری، افزایش مشارکت اجتماعی و ادامه استفاده و تداوم برنامه‌های شهری (ثبات)، افزایش خواهد یافت (پوراحمد، ۱۳۹۷، ص. ۲). با توجه به مباحث بالا و اهمیت موضوع می‌توان دریافت که برنامه‌ریزی رقابت‌پذیر از طرفی نوعی رشد و توسعه در سرمایه‌های اجتماعی به همراه دارد و از این طریق می‌تواند شهر را به سمت برنامه‌ریزی عدالت‌محور و در نهایت توسعه پایدار سوق دهد.

در شهر ارومیه نیز شرایط به گونه‌ای است که شاهد توزیع نامتعادل و نابرابر خدمات و منابع در سطوح منطقه‌ای و شهری می‌باشیم. این نابرابری‌ها به خاطر عوامل طبیعی، اقتصادی، سیاسی، مسائل اجتماعی- فرهنگی، نارسایی نظام

1. Lori
2. Williamson
3. Baker
4. James Coleman
5. Robert Pantam
6. fabin

برنامه‌ریزی، دوگانگی اقتصادی و قطب‌های رشد بوده (عزت پناه و همکاران، ۱۳۹۴: ۳). که عملکرد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نواحی را تحت تأثیر قرار داده و چنین نابرابری‌هایی را در شهر ارومیه دامن زده است. با توجه به مطالب پیش گفته در پژوهش حاضر به بررسی رابطه عدالت شهری و برنامه‌ریزی رقابت‌پذیر با میانجی‌گری سرمایه اجتماعی در شهر ارومیه پرداخته می‌شود. چرا که بررسی رابطه عدالت شهری و برنامه‌ریزی رقابت‌پذیر در راستای مطالعات شهری می‌تواند گامی مؤثر در شناخت و ایجاد دانش نظری و تجربی در این حوزه گردد. همچنین مطالعه و تحقیق در ماهیت عدالت شهری و سرمایه اجتماعی به دلیل تأثیر شگرفی که بر حکمرانی خوب، پیشرفت و عدالت شهری و تحقق اهداف توسعه‌ای شهرها می‌تواند داشته باشد همواره موضوع حائز اهمیت بوده است، به گونه‌ای که توجه پژوهشگران و صاحب‌نظران این حوزه را به خود مشغول داشته است. لذا برای پیش‌بینی روابط احتمالی بین متغیرهای پژوهش، بررسی تأثیر مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مذکور و برآورد ضریب برازش، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۲. روش شناسی

روش پژوهش حاضر توصیفی - همبستگی از نوع پژوهش‌های کاربردی می‌باشد که با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری انجام شده است. برای تعیین روابط احتمالی و تأثیرات آنها بر یکدیگر هم از همبستگی ساده (ماتریس همبستگی) و هم الگوی علی معادلات ساختاری استفاده شده است. جامعه آماری مورد نظر شامل کلیه مدیران شهری، معاونین و کارشناسان تخصصی شهری در مناطق ۵ گانه شهرداری ارومیه به حجم حدوداً ۵۴۵ نفر بود و از این تعداد، ۲۲۵ نفر به بر اساس جدول مورگان و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها سه پرسشنامه از قبیل: پرسشنامه عدالت شهری؛ برای سنجش عدالت شهری از پرسشنامه استاندارد بر اساس مدل مشکینی و همکاران (۱۳۹۶) استفاده شد. این پرسشنامه عدالت شهری را در قالب ۲۰ گویه و ۵ مؤلفه (برابری و مساوات، قانون‌مندی، اعطای حقوق و توازن) و با استفاده از مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت مورد سنجش قرار می‌دهد. پایایی این پرسشنامه بر اساس ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۷ بدست آمد. برای بررسی روایی کل مؤلفه‌های این پرسشنامه از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد که شاخص‌های برازش $GFI = 0/90$, $RMSEA = 0/04$, $CFI = 0/91$, $AGFI = 0/91$ نشانگر روایی مناسب این پرسشنامه برای سنجش عدالت شهری است، پرسشنامه سرمایه اجتماعی؛ برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد که سرمایه اجتماعی را در قالب ۲۵ گویه و ۵ مؤلفه (اعتماد، تعلق، مشارکت، اعتبار، آگاهی) و با استفاده از مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت مورد آزمون قرار می‌دهد. پایایی این پرسشنامه بر اساس ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱ بدست آمد. برای بررسی روایی کل مؤلفه‌های این پرسشنامه از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد که شاخص‌های برازش $GFI = 0/91$, $RMSEA = 0/06$, $CFI = 0/92$, $AGFI = 0/89$ نشانگر روایی مناسب این پرسشنامه می‌باشند، پرسشنامه برنامه‌ریزی رقابت‌پذیر؛ برای سنجش برنامه‌ریزی رقابت‌پذیر نیز از مدل نظم‌فر و همکاران (۱۳۹۶).

استفاده شد که برنامه ریزی رقابت پذیر شهری را در قالب ۵۶ گویه شامل مؤلفه های اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی مورد سنجش و ارزیابی قرار می دهد. پایایی این پرسشنامه بر اساس ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱ بدست آمد. برای بررسی روایی کل مؤلفه های این پرسشنامه از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد که شاخص های برازش $GFI=0/91$ ، $RMSEA=0/06$ ، $CFI=0/93$ ، $AGFI=0/90$ نشانگر روایی مناسب این پرسشنامه جهت سنجش برنامه ریزی رقابت پذیر می باشد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار spss و Lisrel استفاده گردید.



شکل ۱. الگوی مفهومی پژوهش مأخذ: (ژانخین، ۱۵۰، ص. ۲۰۱۵)

۳. یافته‌ها

قبل از پرداختن به تحلیل متغیرهای پژوهش، بررسی نرمال بودن تک متغیری و چند متغیری داده‌ها در مدل‌یابی ضروری است. بدین معنی که قدر مطلق چولگی و کشیدگی متغیرها به ترتیب نباید از ۳ و ۱۰ بیشتر باشد. در جدول ۱ شاخص‌های توصیفی متغیرها جهت بررسی پراکندگی مناسب و نرمال بودن توزیع داده‌ها ارائه شده‌اند و مقادیر مطرح شده را نشان می‌دهد و به عبارتی پیش فرض مدل‌یابی یعنی نرمال بودن تک متغیری داده‌ها برقرار است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

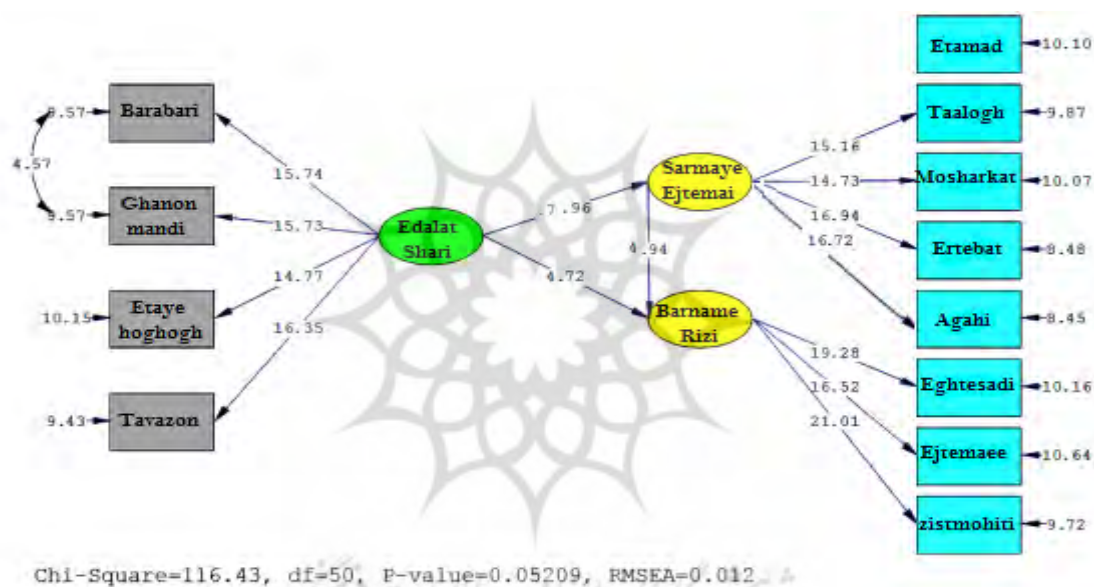
متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
عدالت شهری	۳/۳۲	۰/۶۷	-۰/۲۹	-۰/۱۹
سرمایه اجتماعی	۳/۵۴	۰/۷۳	۰/۰۳	-۰/۲۲
برنامه ریزی رقابت پذیر	۳/۷۱	۰/۸۱	۰/۲۱	-۰/۰۳

جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

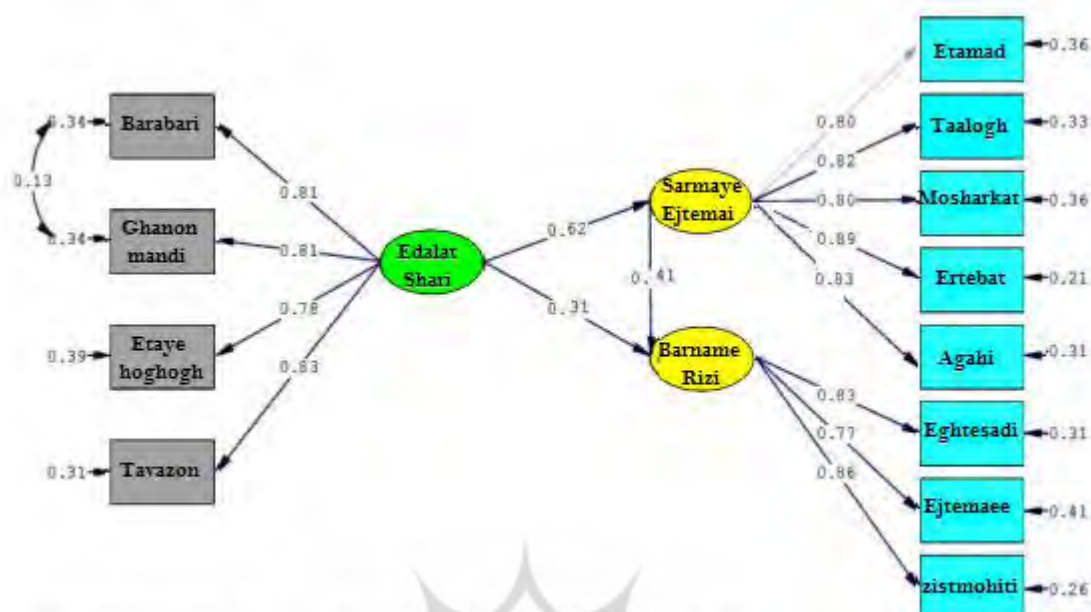
شماره	متغیر	۱	۲	۳
۱	عدالت شهری	۱	-	-
۲	سرمایه اجتماعی	۰/۷۱**	۱	-

شماره	متغیر	۱	۲	۳
۳	برنامه ریزی رقابت پذیر	۰/۵۹**	۰/۶۱**	۱
		*p<0.05		
		**p<0.01		

با توجه به جدول فوق برنامه ریزی رقابت پذیر با عدالت شهری ($r=0/51, p<0/01$) و با سرمایه اجتماعی ($r=0/61, p<0/01$) و رابطه سرمایه اجتماعی با عدالت شهری ($r=0/71, p<0/01$) ارتباط مثبت و معناداری است. لذا همبستگی بالای بین متغیرهای پژوهش پیش فرض استفاده از مدلیابی معادلات ساختاری را برقرار می سازد. در زیر مدل برازش شده معادلات ساختاری روابط بین متغیرها ارائه شده است.



شکل ۲. روابط متغیرها



Chi-Square=116.43, df=50, P-value=0.05209, RMSEA=0.012

شکل ۳. روابط متغیرها

جدول ۴. مسیرهای آزمون شده در مدل معادلات ساختاری

متغیرها	ضریب مسیر	اثر غیر مستقیم	اثر کل	واریانس تبیین شده
برنامه‌ریزی رقابت پذیر از	-	-	-	۰/۴۴
عدالت شهری	۰/۳۱	۰/۲۵	۰/۵۶	-
سرمایه اجتماعی	۰/۴۱	-	۰/۴۱	-
بر سرمایه اجتماعی از	-	-	-	۰/۴۸
عدالت شهری	۰/۶۲	-	۰/۶۲	-

اثرات مستقیم: طبق داده‌های جدول (۴) رابطه مستقیم عدالت شهری با برنامه‌ریزی رقابت‌پذیر (۰/۳۱) مثبت و معنادار است، اثر مستقیم سرمایه اجتماعی بر روی برنامه‌ریزی رقابت‌پذیر (۰/۴۱) مثبت و معنادار است. رابطه مستقیم عدالت شهری با سرمایه اجتماعی (۰/۶۲) مثبت و معنادار است.

اثر غیرمستقیم: برابر نتایج ارتباط غیر مستقیم عدالت شهری با برنامه‌ریزی رقابت‌پذیر با میانجی‌گری سرمایه اجتماعی (۰/۵۷) مثبت و معنادار است و رابطه عدالت شهری با برنامه‌ریزی رقابت‌پذیر (۰/۲۵) مثبت و معنادار است. اثر کل سرمایه اجتماعی بر روی برنامه‌ریزی رقابت‌پذیر و عدالت شهری بر سرمایه اجتماعی نیز همان اثرات مستقیم می‌باشد که به ترتیب (۰/۴۱ و ۰/۶۲) می‌باشد. در جدول ۷ نتایج حاصل از بررسی متغیرهای پژوهش نیز ارائه گردیده است.

جدول ۷. بررسی رابطه متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیر	ضریب مسیر	T	P	نتیجه
۱	عدالت شهری با برنامه ریزی رقابت پذیر رابطه مستقیم دارد	۰/۳۱	۷/۹۶	۰/۰۰۰	تأیید شد
۲	سرمایه اجتماعی بر برنامه ریزی رقابت پذیر اثر مستقیم دارد	۰/۴۱	۴/۹۴	۰/۰۰۱	تأیید شد
۳	عدالت شهری با سرمایه اجتماعی اثر مستقیم دارد	۰/۶۲	۴/۷۲	۰/۰۰۳	تأیید شد
۴	عدالت شهری به میانجیگری سرمایه اجتماعی با برنامه ریزی رقابت پذیر اثر غیر مستقیم دارد	۰/۲۵	-	۰/۰۰۴	تأیید شد

برابر یافته های بدست آمده عدالت شهری با برنامه ریزی رقابت پذیر و میانجیگری سرمایه اجتماعی رابطه دارد. در این پژوهش جهت بررسی معناداری اثر میانجی به نتایج آزمون سوبل استناد شد.

$$Z\text{-value} = \frac{a \times b}{\sqrt{(b^2 \times s_a^2) + (a^2 \times s_b^2) + (s_a^2 \times s_b^2)}}$$

در این رابطه:

a: ضریب مسیر میان متغیر مستقل و میانجی

B: ضریب مسیر میان متغیر میانجی و وابسته

Sa: خطای استاندارد مسیر متغیر مستقل و میانجی

Sb: خطای استاندارد مسیر متغیر میانجی و وابسته

$$Z\text{-value} = \frac{.78 \times .63}{\sqrt{(.63^2 \times .061^2) + (.78^2 \times .55^2) + (.061^2 \times .55^2)}} = 5.324$$

با توجه به اینکه مقادیر Z-value به دست آمده بالاتر از ۱/۹۶ می باشد، لذا نقش میانجی سرمایه اجتماعی در رابطه بین عدالت شهری با برنامه ریزی رقابت پذیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است.

برای بررسی میزان و شدت میانجی گری مقدار آماره واریانس محاسبه شده^۱ (VAF) ارزیابی گردید. اگر مقدار VAF کمتر از ۲۰٪ بود می توان نتیجه گرفت که میانجی گری صورت نگرفته است. در مقابل وقتی مقدار VAF خیلی بزرگ و بالاتر از ۸۰٪ باشد، می توان ادعای میانجی گری کامل کرد. وضعیتی که در آن VAF بین ۲۰٪ تا ۸۰٪ باید، به

1. Variance accounted for

عنوان میانجی‌گری جزئی تشریح می‌شود. با توجه به مقدار بدست آمده از آماره VAF که برابر با ۰/۲۵ است که می‌توان گفت که میانجی‌گری جزئی صورت گرفته است.

براساس نتایج آزمون مشخص گردید که مقدار ضریب مسیر عدالت شهری با برنامه ریزی رقابت پذیر برابر با ۰,۳۱ می‌باشد. آماره t این ارتباط برابر با ۴,۷۲ می‌باشد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار گزارش شد (P-Value ≤ 0.05). بر این اساس می‌توان بیان کرد که عدالت شهری با برنامه‌ریزی رقابت پذیر ارتباط موثر دارد.

در ادامه این نتایج بدست آمد که مقدار ضریب مسیر عدالت شهری با سرمایه اجتماعی برابر با ۰/۶۲ می‌باشد. آماره t این ارتباط برابر با ۷/۹۶ می‌باشد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار گزارش شد (P-Value ≤ 0.05). بر این اساس مشخص گردید که عدالت شهری با سرمایه اجتماعی رابطه بالایی دارد.

در بخش آخر نتایج جدول (۷) نشان داده شده است که مقدار ضریب مسیر سرمایه اجتماعی بر برنامه ریزی رقابت پذیر برابر با ۰/۴۱ می‌باشد. آماره t این ارتباط برابر با ۴/۹۶ می‌باشد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار گزارش شد (P-Value ≤ 0.05). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که سرمایه اجتماعی بر برنامه ریزی رقابت پذیر تأثیر گذار است.

جدول ۵. مشخصه های نیکویی برازش الگوی آزمون شده پژوهش

RMSEA	AGFI	GFI	CFI	X2/d.f.
۰/۰۵	۰/۹۲	۰/۹۳	۰/۹۱	۲/۵۹

به طور کلی براساس نتایج بدست آمده با برنامه لیزرل، هر یک از شاخص های به دست آمده برای مدل به تنهایی دلیل برازندگی مدل یا عدم برازندگی آن نیستند، بلکه این شاخص ها را باید در کنار یکدیگر و باهم تفسیر کرد. برای ارزیابی مدل تحلیل عاملی تأییدی و مدل مسیر چندین مشخصه برازندگی وجود دارد. در این پژوهش برای ارزیابی مدل تحلیل عاملی تأییدی از شاخص های کای دو (χ^2)، میانگین مجذورات باقیمانده (RMR)، شاخص برازندگی (GFI)، شاخص تعدیل برازندگی (AGFI)، شاخص نرم شده برازندگی (NFI)، شاخص نرم نشده برازندگی (NNFI)، شاخص برازندگی فزاینده (IFI)، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI) و شاخص بسیار مهم ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب RMSEA استفاده شده است. از آزمون χ^2 اغلب به عنوان شاخص موفقیت نام برده می‌شود. این شاخص نشان می‌دهد که، ساختار روابط میان متغیرهای مشاهده شده را توصیف می‌کند. هرچه مقدار χ^2 کوچکتر باشد بهتر است. این شاخص تحت شرایط نرمال بودن چند متغیره صادق است و نسبت به اندازه نمونه حساس است، زیرا ممکن است یک مدل در اندازه نمونه کم تناسب داشته باشد، ولی در نمونه زیاد برازش نداشته باشد. برخی محققان از نسبت مجذور کای دویه درجه آزادی به عنوان شاخص جایگزینی استفاده می‌کنند، اما این شاخص نیز محدودیت هایی مشابه χ^2 دارد.

همان گونه که داده های جدول نشان می دهد، مجذور میانگین مربعات خطای تقریب^۱ (RMSEA) به عنوان اندازه ی تفاوت برای هر درجه ی آزادی است، برای مدل های خوب برابر ۰/۰۵ یا کمتر است. مقادیر بالاتر از آن تا حد ۰/۰۸ نشان دهنده ی خطای معقول برای تقریب در جامعه است. مدل هایی که RMSEA آنها ۰/۱۰ یا بیش تر باشد، برازش ضعیفی دارند. در این پژوهش $RMSEA = 0/05$ نشانه ی برازش خوب مدل است. در برنامه ی لیزرل، شاخص نیکویی برازش^۲ (GFI)، شاخص برازندگی تطبیقی^۳ (CFI)، و شاخص تعدیل شده برازندگی^۴ (AGFI) نیز نشان دهنده میزان برازش مدل هستند که بر پایه ی قرارداد، مقدار این دو شاخص (GFI) و (CFI) باید برابر یا بزرگ تر از ۰/۹۰ باشد و شاخص (AGFI) نیز بالاتر از ۰/۸۰ باشد تا مدل مورد نظر پذیرفته شود. همچنین مجذور خی بر درجه آزادی (X2/df) نیز شاخصی می باشد که عموماً فاقد یک معیار ثابت برای مدل قابل قبول است؛ اما مقدار کوچک آن (کمتر از ۳)، دلالت بر برازش بهتر مدل دارد.

۴. بحث

عدالت شهری به عنوان ابزار برنامه ریزان شهری به طور چشم گیری رو به افول نهاده است و این در صورتی است که زمینه های لازم برای ایجاد و ارتقای سرمایه اجتماعی وجود دارد تا بتوان با ایجاد پلتفرم عدالت در شهر زمینه سرمایه اجتماعی ایجاد و از این طریق شرایط برای اجرای برنامه ریزی پایدار شهری را فراهم آورد. از آنجا که امروزه رقابت پذیری به عنوان یک استراتژی کلیدی در دستیابی به توسعه، امری اجتناب ناپذیر تلقی می شود. هر شهری که بتواند رقابت پذیری خود را در میان شهرهای دیگر افزایش دهد موفقیت بیشتری در جذب سرمایه ها و در نتیجه افزایش کیفیت زندگی شهروندان خود بدست خواهد آورد. از آنجایی که رقابت پذیری فرایندی چند بعدی است و جنبه های مختلف زندگی مردم و فعالیت در شهر ارومیه را مثر می سازد یقیناً بهبود آن نیز نیازمند شناسایی عوامل چندگانه موثر بر این فرایند می باشد.

بر همین اساس و با استناد به مطالب پیش گفته هدف اصلی پژوهش حاضر تحلیل ساختاری روبربط عدالت شهری و برنامه ریزی رقابت پذیر با تأکید بر نقش واسطه ای سرمایه اجتماعی در شهر ارومیه می باشد. جهت دستیابی به این هدف متغیر هایی طرح و آزمون شد از جمله نتایج نشان داد که عدالت شهری با برنامه ریزی رقابت پذیر دارای ارتباط مثبت و معنی داری است. این یافته با نتایج حاصل از پژوهش های براتی و همکاران (۱۳۹۸)، گریفین و همکاران (۲۰۱۹)، فاینشتاین (۲۰۱۵)، هوکو (۲۰۱۱) همسو و هم جهت می باشد چرا که آنان نیز در پژوهش خود به نتایج مشابهی دست یافتند.

1. Root Mean Square Error of Approximation
2. Goodness of Fit Index
3. Comparative Fit Index
4. Adjusted Goodness of Fit Index

در تبیین و توجیه این نتایج می‌توان عنوان نمود که امروزه عدالت شهری به عنوان یک نیاز کلیدی در دست‌یابی به توسعه، امری اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود. هر شهری که بتواند شاخص عدالت را در میان مناطق مختلف افزایش دهد، موفقیت بیشتری در ایجاد شهر رقابت‌پذیر بدست خواهد آورد. در حقیقت عدالت شهری یکی از مؤلفه‌های اصلی پارادایم توسعه پایدار است که نیروی محرکه توسعه شهری قلمداد می‌گردد. لذا می‌توان استناد کرد که عدالت شهری یکی از موضوعات لاینفک برنامه‌ریزی شهری در ارومیه باشد. یک شهر بدون رعایت عدالت در شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی نمی‌تواند به عنوان شهر رقابتی مورد ملاحظه قرار گیرد. چرا که رقابت-پذیری اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی یکدیگر را تحت تاثیر قرار می‌دهند. به واقع برای شهر مهم است که از توسعه نامتعادل اجتناب کند. بر این اساس ارتقاء توان رقابت‌پذیری شهر ارومیه نیازمند تمرکز برنامه‌ریزی بر مبنای رعایت عدالت شهری می‌باشد. بگونه‌ای که بهره‌مندی شهر ارومیه از مزایای استقرار پلانفرم برنامه‌ریزی رقابت‌پذیر می‌تواند به حضور فعالانه در عرصه ایجاد عدالت شهری منجر گردد.

همچنین نتایج حاکی از تاثیر مثبت و مستقیم عدالت شهری با سرمایه اجتماعی بود. این نتایج نیز با یافته‌های حاصل از پژوهش‌های حاتمی نژاد و همکاران (۱۳۹۹)، غفوری و همکاران (۱۳۹۶)، سوجا (۲۰۰۸)، اونهایت (۲۰۱۶) همسو و هم‌جهت می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت این نتایج مکمل یافته‌های پژوهش‌های مذکور می‌باشد. در تبیین این نتایج همانگونه که انتظار می‌رفت یکی از مهم‌ترین مکانیزم‌های ایجاد و ارتقای سرمایه اجتماعی در شهر ارومیه، عدالت شهری از نظر توزیع متعادل منابع و امکانات می‌باشد.

بطور کلی همان‌گونه که اشاره شد، سرمایه اجتماعی یک ظرفیت، جوهر اجتماعی یا هنجاری غیر رسمی است که همکاری میان افراد و نهادهای یک جامعه را ارتقا می‌بخشد. هر شبکه اجتماعی، برای دست‌یابی به اهداف خود علاوه بر افراد آگاه و با تجربه و امکانات و ابزار مادی، به عواملی مانند اعتماد، مشارکت، تعلق و... هم نیاز دارد که این عوامل همان ابعاد سرمایه اجتماعی هستند. در جامعه امروزی بدون سرمایه اجتماعی دست‌یابی به توسعه امکان‌پذیر نخواهد بود. همچنین شکل‌گیری نوع شبکه و روابط اجتماعی بین مردم و مدیریت شهری در ارومیه زمانی بیشتر نمایان می‌گردد که مردم عدالت شهری را پارامتر اولیه مدیریت شهری ببینند. در نهایت می‌توان گفت آنچه در این پژوهش مبرهن است این است که زمانی می‌توان زمینه ایجاد و گسترش سرمایه اجتماعی در جامعه را هموارتر نمود که مدیریت شهری توزیع متناسب امکانات در سطح جامعه را سرلوحه تمامی برنامه خود قرار دهد.

در ادامه نتایج نشان داد که سرمایه اجتماعی نیز بر برنامه‌ریزی رقابت‌پذیر تاثیر مثبت و مستقیم دارد. این نتایج نیز با یافته‌های حاصل از پژوهش‌های رحیمی و همکاران (۱۳۹۷)، صمدی (۱۳۹۷)، پور احمد (۱۳۹۶)، غفوری و همکاران (۱۳۹۶)، روبین (۲۰۰۸) همسو و هم‌جهت می‌باشد. در واقع می‌توان گفت این نتایج مکمل یافته‌های پژوهش‌های مذکور می‌باشد. در تبیین این نتایج همسو با ادبیات موضوعی پژوهش می‌توان عنوان نمود در همه جوامع خصوصاً در کشورهای در حال توسعه سرمایه اجتماعی بیانگر حلقه گمشده در برنامه‌ریزی رقابت‌پذیر شهری به شمار می‌رود. سطوح پایین و متوسط سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن در نواحی مختلف شهر ارومیه گواه آن

است که بایستی در جهت تقویت این هنجارها در جامعه تلاش و برنامه ریزی دقیق تر و بیش تری انجام داد و از این طریق سرمایه اجتماعی را در سطح شهر تقویت کرد. زیرا این موضوع در توسعه اجتماعی شهر و افزایش توان رقابت پذیری شهر بسیار موثر است. تفاوت های محسوس شرایط سرمایه اجتماعی و مؤلفه های مهم آن در بین نواحی مختلف شهر ارومیه نشان می دهد که به منظور ارتقاء سرمایه اجتماعی بایستی بسترها، شرایط برقراری عدالت اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی و توزیع عادلانه امکانات و خدمات در محلات مختلف شهر مورد توجه قرار گیرد. به عبارت دیگر چالش های منتج به عدم توجه به عدالت شهری و توسعه سرمایه اجتماعی در مناطق شهری همچون ارومیه بایستی به دقت بررسی و مطالعه شده و سپس با راه کارهای منطبق بر ظرفیت های اجتماعی و محیطی هر منطقه در برنامه های توسعه اجتماعی و فرهنگی محور قرار گیرد.

در نهایت نتایج حاکی از این بود که عدالت شهری با نقش میانجی سرمایه اجتماعی با برنامه ریزی رقابت پذیر ارتباط مثبت و غیر مستقیم دارد. نتایج پژوهش های حاتمی نژاد و همکاران (۱۳۹۹)، براتی و همکاران (۱۳۹۸)، رحیمی و همکاران (۱۳۹۷)، صمدی (۱۳۹۷)، صمدی (۱۳۹۷)، پور احمد (۱۳۹۶)، توکلی و همکاران (۱۳۹۴)، پور احمد (۱۳۹۶)، غفوری و همکاران (۱۳۹۶)، غفوری و همکاران (۱۳۹۶)، گریفین و همکاران (۲۰۱۹)، اونهاپیت (۲۰۱۶)، فاینشتاین (۲۰۱۵)، هوکو (۲۰۱۱)، رویین (۲۰۰۸) و سوچا (۲۰۰۸) این یافته ها را تأیید می نماید. چرا که آنان نیز در پژوهش خود به نتایج مشابهی دست یافتند.

در راستای تبیین نتایج بحث اصلی پژوهش باید گفت دست یابی به یک شهر با توان رقابت پذیری بالا یک اقدام جامع و یکپارچه است که با بهره گیری از سرمایه اجتماعی به عنوان موتور محرکه توسعه شهری، باعث اصلاح شرایط و دستیابی به عدالت شهری می شود. به واقع باید به این نکته نیز توجه نمود که برابر بررسی های صورت گرفته برنامه ریزی رقابت پذیر شهری در ارومیه زمینه رشد سرمایه های اجتماعی در تمام شهر را فراهم می نماید که این امر باعث رشد فزاینده دستیابی به عدالت در شهر می گردد. بطور کلی باید بیان کرد که امروزه برنامه ریزی رقابت پذیر به عنوان یک مؤلفه اصلی در رشد و توسعه شهرها شناخته شده است که می توان با برنامه ریزی صحیح زمینه افزایش سرمایه اجتماعی و دستیابی به عدالت شهری در ارومیه را فراهم نمود.

۵. نتیجه گیری

در حقیقت با توجه به یافته های پژوهش، برنامه ریزی شهری رقابت پذیر سعی دارد تا از طریق مؤلفه های عدالت شهری مزیت های رقابتی شهرها را در مقایسه با شهرهای رقیب ارتقاء بخشد. بنابراین این رویکرد باید به گونه ای تعریف و اجرا شود که ضمن ایجاد عدالت شهری و افزایش سرمایه های اجتماعی شهر ارومیه را برای حضور در عرصه رقابت منطقه ای، ملی و حتی فراملی آماده سازد. از این رو بایستی یک چشم انداز توسعه پایدار که ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی، سیاسی، تکنولوژیکی و قانونی رقابت پذیری شهری برای شهر ارومیه را در بر گیرد، در نظر گرفته شود. زیرا از آنجایی که توسعه سریع اقتصاد شهری همراه با افزایش مشکلات اجتماعی و

زیست محیطی در شهرهاست و همچنین با توجه به اینکه جهانی شدن بستری برای تحلیل رقابت پذیری شهری فراهم کرده است نادیده گرفتن آن تحلیل های بعدی در خصوص رقابت پذیری شهرها را ناقص می کند؛ بر این اساس، به منظور تقویت رقابت پذیری شهری شهر ارومیه نه تنها باید عملکرد اقتصادی خوب، رضایت اجتماعی و توسعه زیست محیطی را فراهم کند بلکه باید سایر ابعاد مربوط به سرمایه های اجتماعی از قبیل آزادی های سیاسی حقوق و قوانین بین المللی و بسط تکنولوژی را نیز تأمین کند.

بنابراین دست یابی به یک شهر عدالت محور و با توان رقابت پذیری بالا از مسایلی است که در طول سالیان اخیر در جوامع مختلف به خصوص در جوامع شهری بسیار بر آن تاکید شده است، در مسیر رقابت پذیری، سرمایه اجتماعی نقش بسیار مهمی را ایفا می کند، به گونه ای که در توسعه شهر رقابت پذیر با در نظر گرفتن مفاهیمی چون عدالت اجتماعی، توسعه همه جانبه و رفاه اجتماعی نقش خود را در محیط اجتماعی و از جمله سرمایه اجتماعی مشخص کرده است.

با توجه به اینکه شهرها و مناطق شهری نقش کلیدی به عنوان مراکز نوآوری و خلاقیت اقتصادی بازی می کنند؛ در عین حال نواحی شهری خط مقدم در نبرد برای انسجام اجتماعی و رقابت پذیری به شمار می روند. از طرفی امروزه سرمایه اجتماعی، نقش بسیار مهمتری را نسبت به سایر سرمایه های فیزیکی و انسانی در سازمان ها و جوامع ایفا می کند. در غیاب سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه ها اثربخشی خود را از دست داده و بدون سرمایه اجتماعی پیمودن راه های توسعه و تکامل فرهنگی، اقتصادی ناهموار و دشوار می شود. بنابراین با بهره گیری از سرمایه اجتماعی، ظرفیت جامعه برای استفاده و تغییر شکل سیستم بهره وری شهری، توزیع عادلانه فرصت ها و امکانات (عدالت شهری)، واکنش به انواع فشارها و مشکلات شهری، افزایش مشارکت اجتماعی و ادامه استفاده و تداوم برنامه های شهری (ثبات)، افزایش خواهد یافت.

از آنجا که شهر ارومیه طی سال های اخیر با رشد شتابان و ناموزونی همراه بوده است لذا این مساله موجب شده است محلات شهری آن ها با ناپداری در توسعه در ابعاد مختلف کالبدی، محیط زیستی، اجتماعی و اقتصادی مواجه شوند.

بطور کلی وجود بی عدالتی در بین محلات مختلف شهر ارومیه گواه آن است که بایستی در جهت تقویت عدالت شهری در جامعه تلاش و برنامه ریزی دقیق تر و بیش تری انجام داد و از این طریق زمینه دست یابی به شهر با توان رقابت پذیری بالا را در سطح شهر ارومیه تقویت کرد. زیرا این موضوع در توسعه اجتماعی شهر نیز بسیار موثر است. تفاوت های محسوس شرایط توسعه بین محلات و مؤلفه های مهم آن در بین نواحی مختلف شهر ارومیه نشان می دهد که به منظور ارتقاء شاخص های رقابت پذیری بایستی بسترها، شرایط برقراری عدالت، اعتماد، تعلق، مشارکت، اعتبار و آگاهی در بین ساکنین محلات مختلف شهر ارومیه مورد توجه قرار گیرد. به عبارت دیگر چالش های منتج به عدم توجه به عدالت شهری و توسعه سرمایه اجتماعی در مناطق شهری همچون ارومیه بایستی به دقت بررسی و

مطالعه شده و سپس با راه کارهای منطبق بر ظرفیت های اجتماعی و محیطی هر منطقه در برنامه های توسعه اجتماعی و فرهنگی محور قرار گیرد.

در مجموع نتایج این پژوهش بیان می کند که در تدوین سیاست ها و برنامه های رقابت پذیری شهری در شهر ارومیه باید به نقش عدالت شهری و سرمایه اجتماعی توجه بیشتری کرد. به دلیل اینکه انزوای اجتماعی ساکنان مناطق شهری و میزان کم تر اعتماد برون گروهی آنها می تواند به منزله هشدار برای کاهش رقابت پذیری و عدالت شهری در ارومیه تلقی شود.

در راستای نتایج پژوهش، جهت دستیابی به شهر با توان رقابت پذیری و عدالت محور در ارومیه پیشنهادهای به شرح ذیل به مدیران و متولیان شهر ارومیه ارائه می گردد؛

با توجه به ارتباط عدالت شهری با برنامه ریزی رقابت پذیر پیشنهاد می گردد امکانات شهری در محلات شهر ارومیه به صورت عادلانه توزیع گردد و از نظرات و پیشنهادات مردم و شهروندان در مدیریت شهری بهره گیری شود.

با توجه به تاثیر سرمایه اجتماعی بر برنامه ریزی رقابت پذیر پیشنهاد می گردد در محلات مختلف ارومیه اقدام به ایجاد شورایی محلی و نهادهای اجتماعی محله محور جهت گرد هم آمدن شهروندان گردد. همچنین در این راستا توجه بیشتر به دفاتر تسهیلگری و توسعه محلی در محلات ارومیه و بهره گیری از نظرات تخصصی و کارشناسی عوامل این دفتر می تواند زمینه ایجاد برنامه ریزی رقابت پذیر در ارومیه را هموارتر نماید.

با توجه به ارتباط عدالت شهری با سرمایه اجتماعی پیشنهاد می گردد مدیریت شهری ارومیه بر ارائه خدمات عادلانه تمرکز نماید تا بتواند زمینه تعامل و همکاری بیشتر شهروندان و احساس تعلق به مکان زندگی را در آنان تقویت و بدینوسیله موجبات ارتقای سرمایه اجتماعی در این شهر را مهیا نماید.

زمینه سازی جهت ایجاد بانک اطلاعاتی از محلات مختلف شهر ارومیه با تاکید بر شناخت دارای های کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، شناخت کمبودهای زیرساختی - مشکلات مربوط به آسیب های اجتماعی و در نهایت تدوین سند توسعه محلی با تاکید بر ارائه راه کارهای مناسب جهت دست یابی به عدالت شهری و بالابردن توان رقابت پذیری شهر ارومیه

بستر سازی برای افزایش هنجارگرایی در میان شهروندان در جهت افزایش سرمایه اجتماعی مؤثر خواهد بود. بنابراین هر اقدامی که زمینه افزایش هنجارهای رسمی مثل قانونگرایی و هنجارگرایی غیر رسمی مثل یاور بودن را فراهم سازد، به صورت غیر مستقیم در ارتقاء توان رقابت پذیری شهری مؤثر خواهد بود. پیشنهاد می شود فاکتورهایی که می تواند احساس تعلق شهروندان نسبت به شهر را افزایش دهد.

ایجاد فضاهای خاص گفت و گو و تعامل در قالب پاتوق های محله ای، پارک ها، برگزاری جشنواره های فرهنگی و اجتماعی در سطح محلات با هدف شکل گیری فضای تعامل و پیوندها و روابط اجتماعی شهروندی در شهر ارومیه.

افزایش سطح آگاهی عمومی جامعه و نیز مهارت در مداخله های موثر و مطلوب شهروندان: شهروندان بدین طریق از حقوق و مسئولیت های شهروندی خود مطلع شده و دیگر نه به عنوان اعضای منفعل بلکه به عنوان عملگرایان فعال در شهر زندگی خواهند کرد.

در نهایت همسو با نتایج اصلی پژوهش پیشنهاد می گردد مدیریت شهر ارومیه بر توجه به فضاهای آموزشی و فرهنگی، حمایت از فعالیت‌ها و گروه‌های فرهنگی و هنری، احداث فضاهای آموزشی و فرهنگی در مناطق محروم و بر ارائه خدمات منصفانه و توزیع امکانات عادلانه در نواحی مختلف تمرکز نموده تا از مزایای ارزشمند رقابت پذیری و برنامه ریزی رقابت پذیر بهره مند گردد.

کتاب‌نامه

۱. احدنژاد، م.، مرادی فرد، س. (۱۳۹۲). نقش استراتژی توسعه شهری در سیاستهای تامین مسکن گروههای کم درآمد شهری (مطالعه موردی: ناحیه صفراآباد و بیسیم زنجان). *فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای*، ۳(۱۲)، ۳۵-۴۸.
۲. براتی، ن.، حیدری، ف.، و ستار زاد فتحی، م. (۱۳۹۸). به سوی فرایندی دموکراتیک در برنامه ریزی و طراحی شهری؛ ارزیابی وضعیت مداخله شهروندان در برنامه‌ها و پروژه‌های شهری ایران. *نشریه علمی باغ نظر*، ۱۶(۷۶)، ۲۰-۵.
۳. براتی، ن.، یزدانپناه، م.ر. (۱۳۹۰). بررسی ارتباط مفهومی سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در محیط شهری، نمونه موردی: شهر جدید پردیس. *جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، ۱(۲)، ۴۹-۲۵.
۴. پژواک، ف. (۱۳۹۵). بررسی مفهوم مدیریت شهری در شهر اسلامی از دیدگاه متون و روایات دینی با رویکرد فراترکیب. *نشریه مدیریت شهری*، ۱۶(۴۲)، ۳۵۴-۳۴۲.
۵. پوراحمد، ا.، بابایی، ح.ر.، و رفیع، ا. (۱۳۹۷). تبیین نقش مدیریت محله ای بر پایداری اجتماعی شهر تهران از طریق سرمایه های اجتماعی ارتباط دهنده شهری. *فصلنامه شهر ایرانی اسلامی*، ۱(۳۱)، ۸۱-۷۵.
۶. پیران، پ.م. (۱۳۹۲). *مفهومی و نظری سرمایه اجتماعی*. تهران: نشر علم.
۷. توکلی نیا، ج.، و شمس پویا، م.ک. (۱۳۹۴). تحلیل سرمایه اجتماعی با تاکید بر مشارکت شهروندی و پاسخگویی مدیران شهری، نمونه موردی: اسلامشهر. *فصلنامه آمایش محیط*، ۱(۳۰)، ۱۵۲-۱۳۷.
۸. حاتمی نژاد، ح.، کلانتری، ح.، و ترشیزی، م. (۱۳۹۹). تحلیل عدالت اجتماعی با تاکید بر توزیع فضایی کاربرایی های شهری و میزان رضایت شهروندان در منطقه یک کلانشهر مشهد. *نشریه علمی تخصصی شایبک*، ۲(۶)، ۱۴-۱.
۹. درویشی، م.ر.، قانلی، م.ر.، و سیرکی، گ. (۱۳۹۸). تحلیلی بر توسعه پایدار شهری با تکیه بر شاخصه های سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی، نمونه موردی: منطقه ۲ شهر تهران. *فصلنامه علمی پژوهشی و برنامه ریزی*، ۱۱(۴۰)، ۲۰۱-۲۰۱۶.
۱۰. رحیمی، ر.ا.، انصاری، م.، و بمانیان م.ر. (۱۳۹۸). رابطه حس تعلق به مکان و مشارکت در ارتقای سرمایه اجتماعی سکونتگاه های غیر رسمی، مطالعه موردی: ترک محله شهرسازی. *مجله معماری شهر پایداری*، ۱(۸)، ۱۵-۲۹.

۱۱. سن، آ. (۱۳۹۰). اندیشه عدالت. ترجمه: وحید محمودی و هرمز همایون پور. چاپ اول. تهران: انتشارات کندوکاو.
۱۲. سندل، م. (۱۳۹۳). عدالت کار درست کدام است، ترجمه: حسن افشار. چاپ اول. تهران: انتشارات نشر مرکز.
۱۳. شکوهی بیدهنی، م.ص. (۱۳۹۳). *ارزیابی عدالت فضایی در برنامه های توسعه شهری*. تهران: رساله دکتری رشته شهرسازی، دانشکده شهرسازی. پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
۱۴. شکویی، ح. (۱۳۹۵). *دیدگاه های نودر فلسفه جغرافیا*. چاپ ۵، تهران: انتشارات گیتاشناسی.
۱۵. صمدی، ح. (۱۳۹۷). اهمیت سرمایه اجتماعی در برنامه ریزی و مدیریت شهری. مشهد: سومین همایش مدیریت بحران در صنعت ساختمان.
۱۶. عزت پناه، ب.، سبحانی، ن.، و رشیدی ابراهیم حصاری، ا. (۱۳۹۴). بررسی نحوه توزیع عوامل کاربری اراضی شهری در طرح های توسعه شهری از منظر عدالت اجتماعی، مطالعه موردی: شهر شاهیندژ. دو فصلنامه پژوهش-های بوم شناسی شهری، ۶(۲)، ۶۴-۴۹.
۱۷. فریدمن، ج. (۱۳۹۵). *برنامه ریزی در حوزه عمومی: از شناخت تا تأمل*. ترجمه عارف اقوامی مقدم. چاپ اول. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معمار.
۱۸. قاسمی، ا.، شمس، م.، و امینی نژاد، غ.ر. (۱۳۹۶). مؤلفه های سرمایه اجتماعی در نواحی مختلف شهری، مطالعه موردی: شهربرازجان. *فصلنامه آمایش محیط*، ۱۰(۴۴)، ۱۳۷-۱۱۷.
۱۹. محمدی، ع.ر.، سعیدی پور، م.، و ارژنگی، ح. (۱۳۹۷). نقش سرمایه اجتماعی در توسعه محله ای، مطالعه موردی: محله های نیار و سبلان. *نشریه مطالعات جامعه شناسی شهری*، ۸(۲۶)، ۱۸۹-۱۶۱.
۲۰. مرادی، ف.، سعیده، ز.س.، و ماجدی، ح. (۱۳۹۸). واکاوی اصول بازآفرینی شهری فرهنگ-مبنا با رویکرد ارتقای رقابت پذیری. *مجله باغ نظر*، ۱۶(۷۰)، ۱۶-۵.
۲۱. مشکینی، ا.، رضا علی، م.، و رضایی، م. (۱۳۹۶). تحلیلی بر برنامه ریزی و رابطه میان عدالت شهری و سرمایه اجتماعی در محله های شهر فردوسی- شهرستان شهریار. *نشریه پژوهش و برنامه ریزی شهری*، ۸(۳۱)، ۱۸۶-۱۶۵.
۲۲. ملک شاهی، غ.ر.، و وکیلی، ص. (۱۳۹۶). بررسی توزیع خدمات عمومی براساس عدالت اجتماعی، مورد شناسی: شهر سقز. *مجله جغرافیا و آمایش شهری*، ۸(۲۵)، ۱۷۰-۱۴۷.
۲۳. مولایی، ا.، و بهزاد فر، م. (۱۳۹۸). تبیین ابعاد و ظرفیت های رقابت پذیری هویتی شهری با رویکرد زمینه گرا در شهرهای ایران. *فصلنامه برنامه ریزی و آمایش فضا*، ۲۳(۲)، ۹۸-۱۲۵.
۲۴. میرغلامی، م.، کی نژاد، م.ع.، و علیزاده، ب. (۱۳۹۷). ارزیابی عدالت فضایی در توسعه مجدد فضاهای شهری، موردپژوهشی: طرح موضوعی عتیق شهر تهران. *ماهنامه باغ نظر*، ۱۵(۶۷)، ۵۲-۴۳.
۲۵. نظم فر، ح.، عشقی، ع.، و علوی، س. (۱۳۹۶). تحلیل فضایی رقابت پذیری سکونتگاه های شهری ایران. *مجله آمایش جغرافیایی فضا*، ۷(۲۴)، ۱۶۶-۱۵۴.

27. Deep, S. & Saklani, A. (2014). Urban sprawl modeling using cellular automata. *The Egyptian journal of remote sensing and space sciences*, 17(8), 115-135.
28. Fainstein, S. (2015). *The just city*. Ithaca: Cornell University Press.
29. Griffin, T. L., Cohen, A., & Maddox, D. (2019). *The just city essays: 26 vision for urban equity, inclusion and opportunity* (Volume 1 of The Just City Essays Series). 25(9), 225-235.
30. Hewko, J.N. (2001). *Spatial equity in the urban environment: Assessing neighborhood accessibility to public amenities*. Alberta: University of Alberta.
31. Kresl, P., & Ni, P. (2010). *Global Urban Competitiveness Report (2005-2006)*. Beijing: Social Sciences Academic Press.
32. Lefebvre, H. (2010). *The right to the city*. In J. Ockman (ed). *Architecture Culture 1943-1968: A Documentary Anthology*.
33. Li, N. & Yu, T. (2015). On urban competitiveness and the methods, process of evaluation. *Human Geography*, (3), 44-48.
34. Ni, P., & Karl Kresl, P. (2015). *The global urban competitiveness report*. UK: Edward Elgar Publishing Limited.
35. Sinkiene, J. (2014). Competitiveness factors of cities in lithuania. *Public policy and administration*, (2), 47-53.
36. Soja, E. (2008). *Seeking for spatial justice*. USA: University of Minneston.
37. Vilar, k., & Cartes, I. (1999). *Social and Behavioral Sciences*, 216 (2016), 56-67.

